



مجتمع آموزش عالی فقه

مدرسه عالی فقه تخصصی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فقه سیاسی

## مبانی فقهی عملکرد فقهای شیعه در مواجهه با حکام جور در عصر غیبت

استاد راهنما:

حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمد علی میرعلی (دام عزه)

استاد راهنما:

حجت الاسلام و المسلمین دکتر یعقوب علی برجی (دام عزه)

طلبه:

غلام حسین فیاض

کد: ۱۱۵۱۵۰۵

تاریخ دفاع:

۱۳۹۱/۰۱/۲۸

#### اهدا

تقدیم به روح بلند و ملکوتی امام خمینی (ره)  
که به مسلمین بیداری و بصیرت و به  
حوزه‌های علمیه تحرک و پویایی بخشید و به  
پدر و مادرم که ما را در مسیر ولایت و هدایت  
قرار دادند.

## تقدیر و تشکر

قال علی(ع) «من لم یشکر الاحسان لم یعده الا الحرمان» (غرر الحکم، حدیث ۹۶۶۴۱) «کسی که از نیکی سپاس‌گزاری نکند جز محرومیت عاید وی نخواهد شد».

سپاس خداوندی را سزاست که به ما نعمت صحت و سلامت و همت تحریر و بیان عطا فرمود. لازم می‌دانم از استاد محترم راهنما جناب حجت الاسلام والمسلمین آقای دکتر محمدعلی میرعلی و استاد محترم مشاور جناب حجت الاسلام والمسلمین آقای دکتر یعقوبعلی برجی (دامت تأییداتهم) که در انجام این تحقیق بنده را دلسوزانه و مشفقانه یاری و کمک کردند، به ویژه از استاد محترم راهنما که به حق در تمام مراحل و زمینه‌های که نیاز به راهنمایی بود از قبیل معرفی منابع، فصل‌بندی، ویراستاری و سایر مواردی که نیازمند به راهنمایی بود بنده را استادانه راهنمایی نمودند و همچنین بر خود لازم میدان که از تمامی مسئولین محترم امور پایان‌نامه و کلیه کسانی که زمینه‌ساز تحقیق و پژوهش برای طلاب گردیده و دلسوزانه در جهت خدمت به اسلام و مسلمین و نشر معارف مکتب اهل بیت(ع) تلاش می‌کنند، تشکر نمایم.

## چکیده

آنچه از آیات و روایات و ادله دیگر به دست می‌آید این است که در عصر غیبت فقهای عظام نایب امام زمان(عج) بوده ولی با مراجعه به تاریخ در می‌یابیم که به جای فقها، حکام جور و سلاطین ستم بر مسند خلافت اسلامی تکیه زده‌اند و فاقد اصل اساسی در شرایط امامت و خلافت از منظر مبانی فقهی و کلامی شیعه در باب رهبری بوده‌اند و تردیدی نیست که از نظر شیعه تنها اصل مهمی که می‌تواند در بعد رهبری و امامت جامعه مشروعیت‌آور باشد مسئله نص و نصب از جانب خدای متعال و یا اذن از جانب پیامبر (ص) وائمه است. یعنی اینکه هر حاکمیتی که فاقد این اصل مهم باشد از نظر مبانی شیعی غیر مشروع بوده و عنوان حاکم جائز و غاصب را با خود یدک خواهد کشید روی همین جهت، اصل اولی در مواجهه با حکام جور و سلاطین ستم، حرمت بوده است ولی فقهای شیعه ضمن حفظ و تأکید بر اصول بنیادین شیعه در باب امامت و رهبری، در شرایطی که شیعیان اقلیت جامعه را تشکیل می‌دادند و به جهت غیبت امام عصر(عج)، حکام غیرعادل و جائز، بر امور و اوضاع مسلط بودند، همکاری و تعامل و پذیرش مسئولیت از سوی سلاطین جور را مجاز می‌شمردند، و به جهت حفظ اقلیت شیعه در تطبیق شرایط موجود گام بر می‌داشتند، و در مواردی هم خود فقها به منظور حفظ و حراست از مکتب تشیع و وسعت و شناسایی آن بعضاً خود نیز با حکام جور و سلاطین ستم همکاری و تعامل داشتند، تاریخ اسلام نمونه‌های زیادی از همکاری و ولایت جائز را در در میان علما و فقهای بزرگوار شیعه در تاریخ سیاسی فقه و فقاہت، سراغ دارد، که مصالح و منافع بسیاری را برای مذهب حقه تشیع در پی داشته است. مانند مناصب سید مرتضی امارت حج و حریمین، نقابت اشراف، مرجعیت تظلمات و شکایات مردم و قاضی القضاتی که در دربار و حکومت جائزانه خلفای عباسی با اجازه ولی عصر(عج) انجام وظیفه می‌کرد و مدت سی سال ادامه داشت. وزارت عارف بزرگ و فقیه کامل خواجه نصیر الدین طوسی در حکومت هلاکوخان مغولی، که منشأ خدمات فراوان در توسعه معارف اسلامی و شیعی داشته است. همچنین آمدن محقق کرکی از لبنان به ایران در دربار شاه طهماسب صفوی، و اعطای مقام شیخ الاسلامی به او، نمونه دیگر از تعامل و همکاری با حکام جائز است. شاه با حضور او در کنار خود، خودش را به ظاهر پیرو او می‌دانست و حکومت خود را مجاز از طرف محقق کرکی با عنوان نائب عام امام عصر(عج) می‌دانست. همکاری‌های فقیه بزرگوار مجلسی به حکومت جائز صفویان با عناوین و مقام و مناصب مختلف شیخ الاسلامی و قضاوت و... که منافع زیاد از این تعاون و تعامل به دست آمد از جمله آن گسترش و توسعه

آموزه‌های متون دینی و فقهی در قالب تربیت شاگردان بارز و اندیشمندان بزرگ و تدوین و تألیف کتب و آثار بزرگ فرهنگی مانند کتاب بحارالانوار و صدها کتب متنی و عمیق دیگر که باعث عظمت و عزت و خارج شدن تشیع از انزوا و اختفا گردید. که البته این تعامل و همکاری از سوی این بزرگواران را می‌توانیم مرتبه‌ای از مراتب تقیه بنامیم. که این استراتژی در طول تاریخ تشیع، به عنوان مؤثرترین عامل، و بهترین وسیله، در جهت نزدیک شدن به اهداف و رسیدن به مقصد نهایی عمل نموده و به عنوان بزرگ‌ترین مبنای فقهی فقها در جهت تعامل و همکاری و یا مواجهه با حکام جور مطرح بوده است.

کلید واژه: حاکم، حکومت، جائز

## فهرست مطالب

### مقدمه

الف) تعریف مسئله و بیان سؤال اصلی تحقیق.....	۱
ب) فرضیه تحقیق.....	۳
ج) سابقه و ضرورت انجام تحقیق.....	۴
د) هدف تحقیق.....	۴
هـ) نوع پژوهش.....	۴
و) روش تحقیق و جمع‌آوری اطلاعات.....	۵
ز) جنبه نوآوری تحقیق.....	۵

### فصل اول: کلیات و مفاهیم

واژه‌شناسی.....	۷
حاکم در لغت.....	۷
حاکم در اصطلاح.....	۸
جور در لغت.....	۸
جائر در اصطلاح.....	۱۰
ضرورت حکومت و حاکم.....	۱۳
حفظ نظم و امنیت و ضرورت حکومت.....	۱۷
حکومت عامل رشد و شکوفایی.....	۱۸
اسلام و حکومت.....	۱۹
سیره عملی اسلام.....	۲۱
حکومت در قرآن.....	۲۲
حکومت در روایات.....	۲۳
حکومت و ولایت فقیه.....	۲۹
۱. برهان عقلی بر ضرورت حکومت فقیه.....	۳۰
۲. برهان نقلی (احادیث).....	۳۱

۳۱	الف) توفیق شریف .....
۳۱	ب) مقبوله عمر بن حنظله .....
۳۳	ج) روایت تحف العقول .....
۳۳	د) روایت سکونی .....
۳۳	هـ) روایت علی ابن حمزه علی ابن حمزه .....
۳۳	و) روایت من لایحضر الفقیه .....
۳۴	۳. برهان اجماع .....
۳۴	۱. شیخ مفید .....
۳۵	۲- شیخ طوسی (م-۶۰هـ) .....
۳۵	۳- محقق حلی (م-۶۷۶هـ) .....
۳۵	محقق کرکی .....
۳۶	۶. ملا احمد نراقی .....
۳۶	۷. صاحب جواهر .....
۳۶	۸. آیت الله بروجردی .....
۳۷	۹. امام خمینی (ره) .....

## فصل دوم: مبانی مبارزه و مواجهه فقها با حکام جور

۴۰	مقدمه .....
۴۱	دلایل منع همکاری با حکام جور .....
۴۱	الف) آیات دال بر نفی حکومت جائر .....
۴۶	- ظالم کیست؟ .....
۴۸	تکیه بر ظالمان و ستمگران .....
۴۹	مفهوم رکون .....
۴۹	در چه اموری نباید به ظالمان تکیه کرد .....
۴۹	فلسفه تحریم رکون به ظالمان .....
۵۰	ظالمین در آیه چه اشخاصی هستند؟ .....
۵۱	مشکل اهل سنت در برابر حکام جور .....
۵۲	آیه سوم در نفی حکومت جائر .....

حکومت طاغوت .....	۵۲
نتیجه داورى طاغوت .....	۵۳
ب) روایات منع همکارى با حکام جور .....	۵۴
ج) - دلایل عقلی بر نفی ولایت جائز .....	۶۳
نفی ولایت انسان بر انسان به مقتضای اصل اولی .....	۶۴
حکم عقل و فطرت بر لزوم پذیرش نوعی از حاکمیت: .....	۶۵
۱- حاکمیت مطلقه خداوند بر نظام هستی: .....	۶۵
۲. حکم عقل بر ضرورت پیروی از راهنمای خیرخواه .....	۶۷
ه) سیره ائمه معصومین در برابر حکام و سلاطین جور .....	۶۸
نحوه برخورد امام صادق(ع) با حکام جور .....	۶۹
امام صادق(ع) و رویاروی با حاکمان عباسی .....	۶۹
نحوه مبارزه فقها با حکام جور .....	۷۲
- شیخ کلینی (م- ۳۲۹) .....	۷۳
- شیخ صدوق: .....	۷۴
متن فرمایش شیخ صدوق .....	۷۵
- شیخ مفید: (۳۳۸-۴۱۳هـ) .....	۷۶
تقی الدین ابو الصلاح حلبی (۳۷۴-۴۴۷ ق) .....	۷۹
قاضی ابن براج (م- ۴۸۱ق) .....	۸۱
شیخ طوسی (م- ۴۶۰هـ) .....	۸۳
سید ابوالقاسم خویی .....	۸۷
امام خمینی .....	۸۷

## فصل سوم: مبانی عملکرد و تعامل فقها با حکام جور

رفتارشناسی فقها .....	۹۱
مسوغات ورود و همکاری با حاکمان جور از دیدگاه فقها .....	۱۰۱
شیخ مفید و جواز همکاری .....	۱۰۲
سید مرتضی و جواز همکاری .....	۱۰۳
قاضی ابن براج و جواز همکاری .....	۱۰۴



۱۰۵	ابی صلاح حلبی و جواز همکاری
۱۰۷	شیخ طوسی و جواز همکاری
۱۰۸	ابن ادریس حلی و جواز همکاری با حکام جائز
۱۰۹	قطب راوندی و جواز تعامل با حکام جور
۱۱۰	محقق حلی و جواز تعامل با حکام جور
۱۱۱	محقق کرکی و جواز همکاری با حکام جائز
۱۱۲	شیخ انصاری و جواز همکاری با حکام جائز
۱۱۳	دومین مجوز پذیرش ولایت جائز از دیدگاه شیخ انصاری
۱۱۴	امام خمینی و جواز همکاری با حکام جور
۱۱۹	انگیزه‌های رفتار سیاسی فقها با حکام جور
۱۲۶	کنترل حکام توسط فقهای شیعه
۱۲۸	همکاری برای مصلحت بزرگ‌تر
۱۳۰	روش‌های متفاوت فقها در مواجهه با حکام جور
۱۳۰	میرزای قمی و شاهان قاجار
۱۳۱	محتوای نامه‌ای میرزا به شاه قاجار
۱۳۲	معانی حدیث (السلطان ظل الله)
۱۳۵	آثار و نتایج روابط علما با دربار سلاطین
۱۳۶	نتیجه‌گیری

## فصل چهارم: تقیه در تئوری و عملکرد فقها با حکام جور

۱۳۹	مقدمه
۱۴۰	تعریف تقیه
۱۴۲	تقیه در قرآن
۱۴۵	تأمل بیشتر در آیه شریفه
۱۴۵	پیوند با بیگانگان
۱۴۸	انواع تقیه
۱۵۱	تقیه سپر دفاعی
۱۵۲	تقیه یا تغییر شکل مبارزه

تقیه در روایات	۱۵۲
تقسیم تقیه از جهت انگیزه و هدف	۱۵۳
۱. حفظ وحدت و یکپارچگی مسلمانان	۱۵۵
۲. ایجاد توسعه برای شیعیان	۱۵۶
۳. حفظ عزت تشیع	۱۵۷
۴. ادای حقوق مسلمانان و همزیستی مسالمت‌آمیز	۱۵۷
سؤالاتی حول تقیه مداراتی	۱۵۹
تقیه در ولایت جائز	۱۶۱
تقیه در تئوری و اقوال فقها	۱۶۲
دلایل قول دوم	۱۶۳
رد دلایل فقها	۱۶۴
جواب‌های حضرت امام خمینی (ره)	۱۶۵
ب) مرز تقیه در حکومت جائز	۱۶۸
تقیه در عملکرد فقها در حکومت جائز	۱۶۹
سید مرتضی و تعامل با حکام جور	۱۶۹
نظریه سید مرتضی درباره امامت	۱۷۲
اندیشه‌های کلامی سید مرتضی	۱۷۳
اندیشه‌های فقهی-سیاسی سید مرتضی	۱۷۶
محقق کرکی و دولت جائز (۱۸۶۱-۹۴۰ق)	۱۸۲
علامه مجلسی و حکومت جائز	۱۸۵
<b>نتیجه‌گیری</b>	<b>۱۸۸</b>
<b>منابع و مأخذ</b>	<b>۱۹۰</b>

## مقدمه

### الف) تعریف مسئله و بیان سؤال اصلی تحقیق

با توجه به اصل ضرورت حکومت و مقتضیات زمان و عصر غیبت و شرایط خاص حاکم بر جامعه اسلامی و انزوای شیعیان و روی کار آمدن حاکمان جائز، فقهای شیعه بر آن شدند، تا راه و رسم زندگی در کنار جوامع سنی و سلاطین ستم را به شیعیان نشان دهند، روی این جهت مباحثی را تحت عناوینی چون: فی العمل مع السلطان، الولاية من قبل الجائر،<sup>۱</sup> معونة الظالمین فی ظلمهم،<sup>۲</sup> فی عمل السلطان واخذ جوائزهم،<sup>۳</sup> مسوغات الولاية من قبل الجائر،<sup>۴</sup> مطرح نمودند، تا با ارائه نظرات فقهی و هم سلوک عملی شان، تشیع را از انزوا و استضعاف نجات داده و گشایشی در حوزه عملکرد و وسعتی در جهت شناخت آن فراهم نمایند و هم توانسته باشند شیعیان را به صحنه ها و عرصه ها و فعالیت ها و پیکارهای اجتماعی سیاسی شرکت داده تا از طریق آنها احیاناً توانسته باشند قدرت حکومت های جائز و خودکامه را مهار و کنترل و یا حداقل به نفع شیعیان تعدیل نمایند، فقها با توجه به سیره ائمه دین و نحوه برخورد امامان معصوم (علیهم السلام) و چگونگی تعامل آنان با حکومت های زمان خودشان، توانستند روابط جامعه شیعی را با دیگر جوامع اسلامی و حکومت های غاصب و جائز زمان شان تنظیم نموده و خودشان هم عملاً در مواردی با انگیزه های مصلحت و محار این حکومت ها، وارد دستگاه های نظام سیاسی و اجتماعی شدند. بدون شک یکی از عوامل بسیار عمده در جهت رشد تشیع، در بین دیگر جوامع اسلامی، با توجه به شرایط بسیار خفقانی که حتی نفس کشیدن هم برای آنان سخت و دشوار و سنگین می نمود، که گواه بر این حقیقت تلخ و تاریک شهادت شهید اول و ثانی و ثالث و علمایی دیگری است که جان شان را در

۱ - شیخ الاعظم الانصاری، مکاسب المحرمه، جلد ۲، ص ۶۹.

۲ - همان، ۵۳.

۳ - علامه حلی، النهایه فی مجرد الفقه والفتاوی، ص ۳۵۶؛ منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، جلد ۱۵، ص ۴۵۴.

۴ - الامام الخمينی، مکاسب محرمه، جلد ۲، ص ۱۷۴.

جهت ارزش‌ها و معارف مکتب اهل‌بیت (علیهم السلام) و نجات شیعیان فدا کردند، ورود فقهای بزرگی چون سید مرتضی سید ابن طاووس‌ها و خواجه نصیر طوسی‌ها و مجتهدین بزرگی چون محقق کرکی‌ها و علامه مجلسی‌ها و... در دستگاه‌های جور و ستم برای کسانی قابل توجیه و تأیید و تحلیل است که شرایط زمانی دشوار و ناگوار آن زمان را درک کرده باشند، ورود این فقها در دستگاه‌های ستم در شرایطی انجام و صورت گرفته است که قبل و بعد از آن شیعه بودن و پیروی از مکتب اهل‌بیت (علیهم السلام)، جرم نابخشودنی محسوب می‌شد، شیعه رافضی و خارج شده از دین و بدعت‌گذار در شریعت محمدی (ص) به حساب می‌آمد. وسعت و آزادی و شناختی که امروز مسلمانان و حتی مردم جهان از معارف و مکتب تشیع دارند، مرهون مجاهدت‌ها و مرارت‌ها و از خودگذشتگی‌ها و شهادت‌ها و خون‌های پاکی است که علما و فقها با کمال اخلاص و صداقت آن را در راه شناسایی این مکتب بذل نمودند و مسلماً اگر نبود مجاهدت‌های آنان امروز از فقه و معارف اهل‌بیت (علیهم السلام) نیز خبری نبود، حضرت امام خمینی (ره) در این رابطه می‌فرماید: «اگر فقهای عزیز نبودند، معلوم نبود امروز چه علومی به عنوان علوم قرآن و اسلام و اهل‌بیت (علیهم السلام) به خورد توده‌ها داده بودند. جمع‌آوری و نگهداری علوم قرآن و اسلام و آثار و احادیث پیامبر بزرگوار و سنت و سیره معصومین (علیهم السلام) و ثبت و تبویب و تنقیح آنان در شرایطی که امکانات بسیار کم بوده است و سلاطین و ستمگران در محو آثار رسالت همه امکانات خود را به کار می‌گرفتند، کار آسانی نبوده است که بحمدالله امروز نتیجه آن زحمات را در آثار و کتب با برکتی همچون کتب اربعه و کتاب‌های دیگر متقدمین و متأخرین از فقه و فلسفه، ریاضیات و نجوم و اصول و کلام و حدیث و رجال، تفسیر و ادب و عرفان و لغت و تمامی رشته‌های متنوع علوم مشاهده می‌کنیم، اگر ما نام اینهمه زحمت و مرارت را جهاد فی سبیل الله نگذاریم، چه باید بگذاریم؟»<sup>۱</sup>

پاسداری از میراث گرانبهای بی‌بدیل و بی‌نظیر آنان مسئولیت سنگینی را بر دوش همه پیروان و به خصوص علما و پاسداران و سربازان و سنگرداران اصلی این مکتب و مذهب ناب می‌گذارد که با شیوه و روش و منش و سیره آنان آشنا شده و دیگران را نیز با شیوه و سیره عقلایی آنان آشنا سازند. زیرا فقها و علما با الهام از فرهنگ غنی و معارف بلند شیعی، وبا بینش و روش و سیره عملی و درک شرایط در هر زمان و مکان، راه را برای پیروان این مکتب هموار و زمینه‌ها را برای تحول و حکومت جهانی که هدف اصلی و تئوری بلند و بی‌نظیر این مکتب نجات بخش

<sup>۱</sup> - امام خمینی روح الله، صحیفه نور، جلد ۲۱، ص ۲۷۳.

است را فراهم نموده است، فقهای عظام زمانی همکاری و زمانی دوری و سکوت و در عصری هم دست به انقلاب و اقدام عملی علیه حکام جور و سلاطین ستم زده‌اند، تقیه، تعامل، سکوت، همکاری، و یا خیزش و انقلاب همه و همه روش‌های متفاوت و گوناگون مبارزه در جهت هدف واحد بوده است، که همه این روش‌ها و منش‌ها برگرفته از سیره اهل بیت (علیهم السلام) بوده است، پیشرفت، توسعه، تحرک، پویایی و عدم توقف و سکون مذهب تشیع و سازگاری آن در طول تاریخ با مذاهب دیگر اسلامی و همراهی و هماهنگی با تحولات و تغییرات جهانی گواه روشن بر این مدعی است. پس با توجه به مبانی خاص مذهب مقدس تشیع در رابطه با حاکمیت و ولایت و تدبیر امور جوامع، به دست ائمه معصومین (ع)، و هدایت و رهبری جامعه اسلامی در عصر غیبت توسط فقها، شناخت مواضع متفاوت و نظریات مختلف آنان در مواجهه با حکام جور، که حاکی و نشأت گرفته از مبانی خاص فقهی آن بزرگواران است لازم و ضروری به نظر می‌رسد، زیرا شناخت این مبانی و مواضع است که وظایف و عمل به آن، نوع عملکرد ما را در برابر حکومت‌های جور مشخص می‌کند، بنابراین سؤال اصلی این خواهد بود.

۱) مبانی فقهی عملکرد فقهای شیعه در عصر غیبت با حکام جور چیست؟

۲) سؤال‌های فرعی تحقیق

۱. مراد از مفاهیمی چون: مبانی فقهی، حاکم، و حاکم جور و... چیست؟

۲. مبانی فقهی عملکرد فقهای شیعه در مواجهه با حکام جور در عصر غیبت چیست؟

۳. مبانی فقهی عملکرد فقهای شیعه در همراهی و تعامل با حکام جور در عصر غیبت

چیست؟

۴. مبانی فقهی فقهای شیعه در مواجهه با حکام جور در عصر غیبت بر اساس تقیه خوفی

چیست؟

۵. مبانی فقهی عملکرد فقها در مواجهه با حکام جور بر اساس تقیه مداراتی چیست؟

(ب) واژگان کلیدی: مبانی فقهی، حکومت، حکام، جور، تقیه، تعامل، همکاری.

### ب) فرضیه تحقیق

با توجه به مبانی فقهی عملکرد فقهای شیعه، در طول تاریخ نسبت به حکام جور و سلاطین ستم، مواضع ایشان متفاوت و مختلف بوده است، و بر اساس همین مبانی فقهی شفاف و روشن، در هر زمان واکنش‌های متفاوتی در پیش گرفته‌اند. واکنش‌های فقهای عظام بر اساس مبانی فقهی

آنها گاهی تقیه در قالب همکاری، و گاهی تقیه در قالب عدم همکاری، و زمانی هم اذن و در عصری انقلاب بوده است.

### ج) سابقه و ضرورت انجام تحقیق

در ارتباط با موضع بحث، و آگاهی از نظریات و مبانی فقهی فقهای شیعه در رابطه با عملکرد ایشان بر اساس این مبانی در مواجهه با حکام جور، و ایجاد بسترهای مناسب و راهکارهای اساسی برای حضور فعال در مدیریت و تصمیم‌گیری‌های مهم و کلان جامعه با رویکرد فقه سیاسی. کار جامع و چشم‌گیری در این رابطه صورت نگرفته است و لذا جای بحث و بررسی این موضوع باقی است، و ضرورت ایجاب می‌کند تا تحقیق بیشتر پیرامون این موضوع صورت بگیرد.

### د) هدف تحقیق

با توجه به اینکه دین مقدس اسلام دین حیات و زندگی، دین تأمین سعادت دنیا و آخرت، دین تنظیم‌کننده روابط اجتماعی و سیاسی است و از آنجا که از نظر دین مقدس اسلام تدبیر امر دینا و آخرت از هم جدا نبوده، تبیین مبانی فقهی فقهای شیعه و مواضع آنان در مواجهه با حکام جور و آگاهی از نظریات فقهای عظام راهگشا و زمینه ساز حضور فعال امت اسلامی در عرصه‌ها و صحنه‌های سیاسی و اجتماعی و رهنمودی در جهت تعیین مواضع و مشارکت در امور و سرنوشت امت اسلامی خواهد بود.

### ه) نوع پژوهش

بدیهی است روش علمی هر پژوهش باید مناسب با موضوع و داده‌های آن باشد که قابل نظم بخشیدن و انسجام بحث را داشته و شایستگی و توان تجزیه و تحلیل آن موضوع را دارا باشد و لذا با توجه به موضوع مسئله می‌توان گفت: این رساله که در موضوع مبانی فقهی عملکرد فقها با حکام جور در عصر غیبت است و با مطالعه به دیدگاه‌های فقها و علما در خصوص این موضوع و با برداشت عقلی و فکری از متون و کتب در ضمن نقل نظریات، از نوع تحقیق تحلیلی و توصیفی در این پژوهش به کار گرفته شده است.

## و) روش تحقیق و جمع آوری اطلاعات

روشی که در این تحقیق به کار گرفته شده است، با توجه به موضوع مسئله که کاملاً تئوری می باشد، و تنها کتاب و منابع نوشتاری می تواند پاسخگوی مسایل طرح شده باشد، لذا در این تحقیق از روش کتابخانه‌ای با مراجعه به اسناد و متون و گفتار قابل دسترسی فقها استفاده و بهره گرفته شده است.

## ز) جنبه نوآوری تحقیق

موضوع مورد بحث از موضوعات بسیار مهم و اساسی و راهگشا در مسائل سیاسی و اجتماعی بوده و راهکاری در انجام مسئولیت‌های سرنوشت‌ساز، و مشارکت جامعه شیعی در کشورهای اسلامی در کنار دیگر اقوام و مذاهب و حکومت‌های آنان خواهد بود. بنابراین بر اساس تحقیقات انجام شده و استقرای ناقص به عمل آمده، تحقیق و پژوهش‌های در رابطه با این موضوع به صورت پراکنده انجام شده و هر پژوهشگری به نوبه خود به زوایای مختلف مسئله پرداخته‌اند، کتاب (تحول مفهوم حاکم جائر در فقه سیاسی شیعه) نوشته احمدی طالبشیان، کتاب (جامعه سیاسی اسلامی) نوشته مهدی شمس‌الدین، که بخش از این کتاب به این موضوع پرداخته است و مقالاتی نیز در این رابطه به نشر رسیده است مثل: (رفتار سیاسی فقهای دورمیان‌ه)، نوشته دکتر یعقوبعلی برجی، (فقها و حکومت‌های جور از شروع غیبت کبرا تا ابتدای صفویه) نوشته سید محسن طباطبایی فر، که هر کدام به گوشه‌ها و زوایای مسئله پرداخته و هنوز جای بحث و بررسی نسبت به این موضوع باقی است، زیرا هنوز تحقیق جامع و لازم در رابطه به این موضوع انجام نگرفته است، فلذا با استعانت از ذات باری تعالی به تحقیق در ابعاد بیشتر و زوایای دقیق‌تر آن پرداخته خواهد شد.

## فصل اول: کلیات و مفاهیم



## واژه‌شناسی

با توجه به روشن بودن مفاهیم چون مبانی، فقه، و فقه‌ها لازم است واژه‌های حاکم، و حاکم جور، از نظر لغت و اصطلاح مورد دقت و تحقیق قرار گیرد.

### حاکم در لغت

حاکم اسم فاعل از حکم است و در لغت به معنای فرمانده، فرمانروا، فرماندار، قاضی، و داور آمده است.<sup>۱</sup> از نظر ابن منظور در لسان العرب هم‌ریشه‌ای با حکم و حکیم است و معانی این کلمه نزدیک و متقارب با هم‌اند. «(الحکم والحکیم و الحاکم) (و معانی هذه الاسماء متقاربة، والله اعلم بمن اراد بها، وعلینا الایمان بأنها من اسمائه، الحکم والحکیم و هما بمعنی الحاکم وهوالقاضی، فهو فعیل بمعنی فاعل أوهوالذی یحکم الاشیاء و اتقنها»<sup>۲</sup> «یقال حاکم و حکام لمن یحکم بین الناس، و قال الله تعالی: و تدلوا بها الحکام»<sup>۳</sup> حکم و حکیم به معنای حاکم است و حاکم همان قاضی است، و حکیم برون فعلیل به معنای فاعل است و او کسی است که اشیا را خلق نموده و به وجود می‌آورد و سپس آنها را محکم می‌کند یعنی اشیا را به فراخور وجودی آنها به کمال تکوینی می‌رساند. حاکم و حکام به کسی گفته می‌شود که در بین مردم حکم می‌کند. و خدای تعالی در آیه / ۱۸۸ سوره بقره، می‌فرماید: امواتان را به باطل میان خود نخورید، و برای خوردن برخی از اموال مردم، قسمتی از آن را به حکام به عنوان رشوه نپردازید در حالیکه می‌دانید این کار گناه است.

<sup>۱</sup> - فرهنگ فارسی عمید، ۱/ ۷۷۳.

<sup>۲</sup> جمال‌الدین بن منظور، لسان‌العرب، بیروت، دارالفکر، چاپ سوم، ج ۱۲، ص ۱۴.

<sup>۳</sup> بقره/۱۸۸؛ اصفهانی، حسین بن محمد راغب، مفردات فی الفاظ القرآن، ص ۲۴۹.

### حاکم در اصطلاح

حاکم در اصطلاح واسطه‌ای میان رعایا و هیأت حاکمه است و وظیفه اجرای قانون و حفظ آزادی‌های سیاسی و مدنی را بر عهده می‌گیرد رئیس حکومت، حاکم نامیده می‌شود.<sup>۱</sup>

### جور در لغت

جور از نظر لغت (جور) (در کتاب‌های لغت هم به صورت مستقل و فی نفسه و هم در تقابل با عدل تعریف شده است. در المنجد فی اللغة، جائر کسی است که ظلم کند.<sup>۲</sup> و بیش از این توضیحی داده نشده است. اما در لسان العرب جور نقیض عدل تعریف شده است که به معنای ظلم است: «الجور نقیض العدل». جور نقیض عدل است جار یجور جوراً، والجور ضد القصد، والجور ترک القصد فی السیر، جور، ترک مسیر مستقیم در حرکت است و الفعل جور، جار یجور است، هرکسی که میل به سوی باطل پیدا کرد در حقیقت او جور و ظلم کرده است و از مسیر عدل و حق و صراط مستقیم منحرف شده است. و کل ما مال فقط جار، و جار عن الطريق العدل، والجور: الميل عن القصد و جار علیه فی الحکم».<sup>۳</sup> محیط اللغة صاحب ابن عباد و کتاب العین خلیل بن احمد فراهیدی نیز همین معنا را برای لغت جور ذکر کرده‌اند: «الجور: نقیض العدل، و ترک القصد فی السیر، جار یجور جوراً، و قوم جوراً و جارة ای ظلمة»<sup>۴</sup> «الجور: نقیض العدل، و قوم جوراً و جارة ای ظلمة، والجور ترک القصد فی السیر و الفعل منه جار یجور»<sup>۵</sup> «و الجور: الميل عن القصد، يقال جار عن الطريق، و جار علیه فی الحکم»<sup>۶</sup> «جور: الجیم و الواو و الراء» اصل واحد، و هو الميل عن الطريق، يقال: جار و جوراً، و من الباب طعنه فجوره ای صرعه»<sup>۷</sup> جور نقیض عدل به معنای میل پیدا کردن افتادن به یک طرف است

۱ - عمید زنجانی، دانشنامه فقه سیاسی، ص ۶۶۴.

۲ - لويس معلوف، المنجد فی اللغة، جلد ۲، ص ۱۰۹.

۳ - جمال‌الدین بن منظور، لسان‌العرب، بیروت، دارالفکر، چاپ سوم، ج ۴، ص ۱۵۳.

۴ - صاحب بن عباد، محیط‌اللغة، بیروت، عالم‌الکتاب، ۱۴۱۴ق، چاپ اول، ص ۱۷۲.

۵ - فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم، هجرت، ۱۴۱۰ق، چاپ دوم، ص

۶ - جوهری، اسماعیل، بن حماد، الصحاح‌اللغة، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۴۱۷.

۷ - ابوالحسن احمد بن فارس، مقایس‌اللغة، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ج ۱، ص ۴۹۳.

دهخدا از قول صاحب کشاف اصطلاحات الفنون می‌گوید: «ظلم، بالضم و الفتح و سکون الام، لغة وضع الا فی غیر محله و فی الشریعه عبارة عن التعدی عن الحق الی الباطل وهو الجور».<sup>۱</sup> که از این تعریف تا حدودی تفاوت معانی ظلم و جور مشخص می‌شود. گرچه ظلم در لغت به معنای وضع الشيء فی غیر محله است اما وقتی موضوع انحراف از مسیر حق و رفتن به سوی باطل باشد، معنای جور پیدا می‌کند. چنان که همان لغتنامه وقتی از ماده جور بحث می‌کند آن را به

معنای ستم کردن در حکم، میل کردن از راستی در راه، معنا کرده است.<sup>۲</sup>

همین معنا و تعبیر هم در قرآن کریم آمده است که مفسرین از جمله مرحوم علامه طباطبایی کلمه جائر را به معنای انحراف از راه راست گرفته‌اند. در آیه ۹ سوره نحل آمده است: «و علی الله قصد السبیل و منها جائر» در قرآن تنها یک بار کلمه جائر آمده که در همین آیه است. علامه طباطبایی می‌گوید: «جائر به معنی منحرف شدن از هدف است و رهرو خود را به غیر هدف می‌رساند و از هدف گمراه می‌کند. خدای سبحان قصدالسبیل را به خودش نسبت داده است ولی سبیل جائر را نسبت نداده است، جهتش این است که جائر راه ضلالت است و از ناحیه خدا جعل نشده است. بلکه راهی را که خدا جعل کرده است راه قصد و هدایت است و راه جائر به معنی انحراف از راه هدایت و پیمودن آن است. پس در حقیقت راه نیست بلکه بیراهه است. راه جائر که آن را به خدا نسبت نداده خود را به خدا منتهی نمی‌کند و نیز می‌فهمیم که راه جائر راه نیست بلکه انحراف از راه است... سبیل جائر و راه ضلالت در حقیقت راه نیست تا قابل جعل باشد بلکه اگر دقت کنیم راهی نرفتنی و امری عدمی است و امر عدم هم قابل جعل نیست».<sup>۳</sup>

«الحاکم الجائر: ای المائل، یعنی علی الظلم والجور، حاکم جائر حاکمی است که مایل به ظلم و جور است یعنی تمایل به ظلم و جور دارد. و علی الله قصد السبیل».<sup>۴</sup> طریق الموصل الی الحق واجبة علیه، کقوله تعالی: ان علینا للهدای، بر خداست که طریق و راه راست را بنمایاند، یعنی بر خداوند است که راه راست و طریق مستقیم را بر بندگانش نشان دهد و منها جا برای من السبیل

<sup>۱</sup> - علی اکبر دهخدا، لغتنامه، زیر نظر دکتر معین، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، بی تا، حرف ظ، ج ۲۹، ص ۱۸.

<sup>۲</sup> - همان، جلد ۱۵، ص ۱۴۷.

<sup>۳</sup> - طباطبایی، لمیزان فی تفسیر القرآن، جلد ۱۲، ص ۲۱۴.

<sup>۴</sup> . نحل/۹.

جائر عن القصد<sup>۱</sup>. بنابراین جور ضمن اینکه معنای ظلم را دارد معنای خاصی نیز دارد و آن انحراف از راه حق و ورود در راه باطل است.

### جائر در اصطلاح

در اصطلاح فقها، جائر به کسی گفته می‌شود که بدون اذن امام یا نایب او به حکومت رسیده باشد. در واقع حاکمان جائر ضمن اینکه وضع الشیء فی محله نکردند، بلکه از راه راست و قصد السبیل نیز منحرف شده و در راه باطل و انحراف قرار گرفته‌اند. بنابراین حاکم جائر حاکمی است که در راه باطل قدم برمی‌دارد و از مسیر حق منحرف گشته و تمایل به باطل پیدا کرده است. در اینجا قرار گرفتن امام یا نماینده او در مقامش (حکومت و امارت) به معنای وضع الشیء فی محله است که به معنای عدل است و چنین شخصی عادل است، و اما اگر غیر امام و غیر مأذون در منصب حکومت قرار بگیرد، وضع الشیء فی غیر محله است که همان ظلم است و چون این شخص از مسیر حق و قصد السبیل منحرف شده و گرایش به باطل و بیراهه پیدا کرده، به او جائر گفته می‌شود. پس هم وضع الشیء فی غیر محله است و هم غصب مقام حکومت. بنابراین حاکم جائر کسی است که در جای واقعی خود قرار نگرفته و مقامی را نیز غصب کرده

**تقسیم‌بندی حاکمان:** در میراث فقهی شیعه، حاکمان به دو گروه تقسیم می‌شوند: ۱. عادل، ۲. جائر. این تقسیم‌بندی در منابع متعدد فقهی از جمله در رساله‌ای «فی العمل مع السلطان» مرحوم سید مرتضی (ره) آمده است. ایشان می‌فرماید: بدان که حاکمان دو گونه‌اند: برحق عادل، و باطل ستمگر و غاصب. پس مسولیت‌پذیری از جانب حاکم بر حق عادل جای بحث ندارد؛ بلکه چه بسا با ملزم کردن حاکم و تحکیم کردن اجابت از سوی او، پذیرش مسولیت نیز واجب گردد. بنابراین تنها مسولیت‌پذیری از سوی حاکم غاصب جای بحث و گفت‌وگو است، و این نوع مسولیت‌پذیری «به لحاظ حکم شرعی» چند قسم است: ۱. واجب «چه بسا و جوب را گذر کرده و به حد ناچاری برسد»؛ ۲. مباح؛ ۳. زشت و ممنوع.

**اما موارد واجب:** واجب زمانی است که پذیرنده مسولیت بداند یا به نشانه‌های آشکار گمان غالب ببرد که پذیرش مسولیت می‌تواند «حق» را بر پا کند و باطل را کنار بزند، به نیکی امر کند و از بدی نهی کند و اگر این پذیرش مسولیت نباشد هیچ یک از این امور محقق نمی‌شود؛ پس در این صورت پذیرش مسولیت واجب می‌شود، و چیزی که سبب برای رسیدن

<sup>۱</sup> طریحی فخرالدین، مجمع‌البحرین، تهران، مرتضوی، ۱۳۸۶ق، سوم، ج ۳، ص ۱۰۹.